



همایش مرغان

نیرال عظیم

تنظیم، اقتباس و انتخاب حکایات حسن علوی و دنیز دوهامل
نقاشی خط لاسعد مطوی

مترجم: گروه مهرگان

پرسا رافتی، محدثه چراغی، رخساره عبداللہیان، مریم حبیبی، مریم جوان

ویراستار: المیرا حسن زاده

سرشناسه: علوی، حسن. ۱۳۲۲ - Alavi, Hassan

عنوان و نام پدیدآور: همایش مرغان.

مشخصات نشر: مشهد: چراغ دیده، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص: ۲۲×۲۲ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۷۳-۵-۲

وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر

یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: La conference des Oiseaux.

یادداشت: مترجمان محدثه چراغی، فریسا رافعی، رخساره عبداللہیان، مریم حبیبی، مریم جوان

شناسه افزوده: دوہامل، دنیز، ۱۹۴۱ - م.

شناسه افزوده: Duhamel, Denise

شناسه افزوده: چراغی، محدثه، ۱۳۲۵ - مترجم

شناسه افزوده: حسن زاده، المیرا، ویراستار

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۶۵۹۹۷

همایش مرغان

مؤلف: حسن علوی و دنیز دوہامل

نقاشی خط: لاسعد مطویی

مترجم: گروه مهرگان

ویراستار: المیرا حسن زاده

بازسازی جلد و صفحات: رضا موسوی

لیتوگرافی: گویا اسکندر

چاپخانه: تابان

صحافی: پارسین

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۷۳-۵-۲



انتشارات چراغ دیده

انتشارات چراغ دیده/مشهد، بلوار سجاد، پاساژ پردیس، طبقه ۱- تلفن ۳۷۶۴۱۳۹۶-۰۵۱

فهرست مطالب

۳۴	پادشاه و غلام و سیب		
۳۶	بوتیمار		
۳۶	پیر دانا و کبودی دریا		
۳۸	بوف		
۳۸	مرد بخیل و صندوقچه زر		
۴۰	صعوه		
۴۰	یعقوب و پیام وحی		
۴۳	هدهد		
۴۳	داستان شیخ صنعان «خلاصه شده»	۱۱	مقدمه
۴۹	حیرت بایزید و پاسخ هائف غیب	۱۹	همایش مرغان
۵۰	شاه مسعود و طفل ماهیگیر	۲۱	بلبل
۵۴	سلطان محمود و خار کن	۲۱	شاهزاده و درویش
۵۷	شیخ نوقانی جارو و غربال	۲۴	طوطی
۶۰	جبرئیل و مرد بت پرست	۲۴	دیوانه، خضر نبی و آب حیات
۶۲	مناجره دو صوفی و رأی قاضی	۲۶	طاووس
۶۴	پادشاه در شکار گاه و یک جفت روباه	۲۶	دلیل رانده شدن آدم از بهشت
۶۶	دعای خواجه در نماز	۲۸	مرغابی
۶۸	مرید جوان و کیسه زر	۲۸	در حکمت آفرینش دو جهان
۷۰	درس رابعه به شیخ بصره در باب زر	۳۰	کبک
۷۲	قصر با شکوه پادشاه و اشارت صوفی	۳۰	نگین انگستری سلیمان و بقای ملک
۷۴	تار عنکبوت و مگس	۳۲	هما
۷۸	پادشاه و سگ تازی	۳۲	سلطان محمود و ملک جاوید
۸۰	افسانه ققنوس	۳۴	باز

۱۳۰	عاشق خفته و دلدار او
۱۳۳	سرباز و عاشقی
۱۳۶	اختر شناس و نقش جهان
۱۳۸	مگس و کوزه عسل
۱۴۰	لقمان سرخسی و مناجات او
۱۴۰	حکایت عاشق افتاده در آب
۱۴۲	صوفی و مرد کلید گم کرده
۱۴۴	شیخ نصر آباد و زنار بستن او
۱۴۶	حدیث شمع و پروانه
۱۴۸	صوفی و مردی که به او ضربه زد
۱۵۰	سلیمان نبی و مورچه لنگ
۱۵۲	بوسعید مهنه و دلاکی
۱۵۴	نقوش مرغان

۸۲	گفتگوی مسیح با کوزه آب
۸۶	میوه شیرین و تلخ
۸۶	خفاش و آرزوی پرواز به سوی خورشید
۹۰	بازگشت پادشاه و مفتخر شدن زندانیان
۹۱	دو محبوب در نظر شیخ ترکستان
۹۲	بیرزن خریدار یوسف
۹۴	دیوانه و درک او از دنیا
۹۶	پادشاه پیر هندی و سلطان محمود
۹۷	مرد جنگجو و کافر
۱۰۰	دیوانه گستاخ و غلامان عمید
۱۰۲	خر و گرگ
۱۰۴	سلطان محمود و گلخن تاب
۱۰۶	شیخ ابوبکر و مریدان
۱۰۸	پند مست دائم الخمر به مست لایعقل
۱۱۰	عیب معشوق و سردی عشق
۱۱۲	پیام الهی به داوود نبی در باب نیایش
۱۱۴	مناجات پر شور رابعه
۱۱۶	زلیخا و فرمان تازیانه زدن یوسف
۱۱۸	ارباب و خدمتکار
۱۲۲	سخنان شبلی درباره سنگ و الماس
۱۲۴	مجنون در جستجوی لیلی
۱۲۶	مجنون در لباس گوسفند
۱۲۸	ابراهیم خلیل الله و ملک الموت

مقدمه

بر در بسته چو بنشستی بسی هیچ شک نبود که بگشاید کسی

در کمتر تمدنی همچون پارسیان پرندگان از جایگاهی چنین خاص برخوردارند. امروزه در افغانستان، ایران و تاجیکستان، این کشورهای وارث سنت های ایران باستان، همواره مسابقات آواز پرندگان برگزار می شود. در اکثر شهرهای بزرگ، بازار فروش پرندگان از رونق چشمگیری برخوردار است. در این کشورها با فرارسیدن بهار، کبوتر بازی بر فراز بام ها در محله هایی که بافت سنتی هنوز در آن پابرجاست، آغاز می شود. کبوتربازان دستمال سفیدی را به انتهای چوبی گره زده، در هوا تکان داده و منتظر می مانند تا فوج کبوتران بر فراز بام خانه شان به پرواز در آیند و در هوا چرخ زنند و این در حالی است که همسایه سخت می کوشد آنها را به سوی بام خویش کشاند و به دسته کبوتران خود داخل کند. مراسم سال نو در مزار شریف به خاطر جشن گل لاله اش شهرت دیرینه ای دارد. در فصل بهار که بلندای روز و شب یکسان است، لاله ها در دامنه تپه هایی به گل می نشینند که گویی با سبزی چمن نورسته، رنگ آمیزی شده اند؛ اما مردم ولایت ترکستان، نوروز را در حضور هزاران کبوتر به جشن و سرور می پردازند که بر فراز مسجد کاشی کاری شده آبی رنگ، به پرواز در آمده اند. نه تنها گیاه و نبات در تخیل و جلوه های هنر پارسی از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ بلکه وجود بوستان ها و گلستان ها، هنر باغداری و دانش آبیاری، آماده سازی خاک، پیوند و تکثیر گیاهان، همه و همه گواه بر همزیستی عمیق بشر با گیاهان است، گاهی که در صورت جاری شدن آب، زایش تحسین برانگیزی را نیز عیان می کند.

نمونه روشن و به احتمال زیاد، بسیار کهن دلدادگی پارسیان به پرندگان را می توان در نماد مزدائیسیم، فروهر، یافت. این انسان پرنده نمای زیبا و با شکوه بر کتیبه های سنگی و بر فراز پرستشگاه ها و بناهای سرگود قدرت و اقتدار هخامنشیان تا معابد زرتشتیان عصر حاضر در ایران و اطراف بمبئی در هند همچنان جلوه گری می کند. اغلب زنان زرتشتی نیز این نماد را چون زیور آلات به گردن می آویزند. در هنر قالی بافی اگر چه قالی افغان به سبب گرانش به آرایه ها و زینت های آسیایی میانه، با نقوش حیوانات بیگانه است و به جای آن اشکال هندسی و نقوش درهم تاییده ای از گل های ساده و نمادین در تار و پودش نقش بسته اند؛ اما نقش و نگار فرش پارسی با پرندگان چون، طاووس، کبوتر و ققنوس به تابلویی بس زیبا بدل گشته است.

در قرآن نیز مرغان از جایگاهی بس ویژه برخوردارند. در آیه ای از آن می خوانیم: "روزی مسیح از گل، کبوتری ساخت، چون

در آن دمید، کبوتر به پرواز درآمد^(۱) اگر چه در انجیل به این داستان اشاره‌ای نشده است؛ اما در کتاب (۲) Apocryphe به آن پرداخته شده است. در قرآن، مرغان، حاملین پیام و نشانه‌اند. آنها از تقدیر خبر می‌دهند و بستر معجزه‌ای را فراهم می‌آورند. سلیمان و داود نبی از جمله پیامبرانی بودند که زبان مرغان (۳) می‌دانسته‌اند. مرغان در خدمت سلیمان بودند و با بال‌هایشان بر سرش سایه می‌گسترانیدند.

بی‌شک در تمدن‌های دیگر همراه با گسترش مذهب و نمادهای قدرت، آنها نیز با پرندگان بیگانه نماندند. امپراطوری‌های قبل از کشف قاره آمریکا، چین و سنت‌های یهودی-مسیحی غرب، خودگواه روشنی بر این ادعاست. در این تمدن‌ها، اگر چه حضور عقاب، نشان پادشاهان به شمار می‌آمد؛ اما نشان‌های خانوادگی و سمبل اصلی قدرت، بیشتر به چهار پایانی چون شیر، پلنگ و سمندر تکیه داشته است.

عرفان مسیحیت نیز ارتباط تنگاتنگی با مرغان داشته است و در آن کبوتر نماد روح القدس می‌باشد و فرانسوادسیس^(۴)، پرندگان را موعظه می‌کند. ژاکوب بوهم^(۵) و سنت ژان دولاکرا^(۶)، مرغ را موجودی عرفانی یافتند که هم توان پرواز دارد و هم قدرت نغمه‌سرایایی.

در عهد یونان باستان، افسانه‌سرایان از ازوپ^(۷) گرفته تا لافونتن^(۸) در داستان‌هایشان از حیوانات یاری گرفته‌اند. کلیله و دمنه، این افسانه پارسی که در هند ریشه دارد و در آن به نزاع دو شغال و حیوانات بی‌شمار دیگر می‌پردازد، دست‌مایه‌ای برای الهام لافونتن می‌گردد. طوطی‌نامه نیز که آن هم به احتمال زیاد ریشه‌ی هندی دارد، در همین راستا قرار می‌گیرد؛ اما منطق‌الطیر فریدالدین عطار، فراتر از پند و اندرز و نکات اخلاقی و افسانه‌ی حیوانات است.

اعتبار و حرمت و تقدس این اثر در سرزمین‌های پارسی زبان دیگر، مبین این حقیقت است که کتاب حاضر با حکایات کلیله و دمنه و طوطی‌نامه در ترازوی قیاس ننگنجد. در ایران، افغانستان و تاجیکستان، اشعار بلند و بدیع عطار هم پای دیوان حافظ، گلستان سعدی و مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی، به عنوان منابع اصلی ادبیات کهن و اصول بنیادین آئین تصوف به شمار می‌رود.

منطق الطیر همچون دیگر شاهکارهای ادبیات پارسی در مغرب زمین با اقبال بی نظیری روبرو شده است. بازتاب اندیشه‌ی عطار و هم مسلکان صوفی‌اش، همزمان با اولین نسخه‌ی ترجمه‌شده‌ی این اثر در قرن هفده، نویسندگان و شعرای مغرب زمین را تحت تأثیر قرار داده است و بنابه گفته‌ی ژرژ لوی برژ (۸)، حتی شاید به زمان شوسه (۱۰) نیز باز گردد. برژ، این حماسه سرای بزرگ آرژانتینی، خود نیز تحت تأثیر جذبه‌های عمیق و ژرف عطار و منطق الطیرش بوده است. از نظر او در حکایات شوسه نیز ردپایی از القائنات عطار و الهامات شعر او به چشم می‌خورد.

در شعر "گل سرخ جاودانه" (۱۱) شعر پایانی مجموعه "گل سرخ کبود" (۱۲)، برژ از دید عطار به گل سرخ نظر می‌کند، در حالی که یورش مغول‌ها تا پشت دروازه‌های نیشابور رسیده است. او چنین می‌گوید:

نابینایی هستم و هیچ ندانم، با این وجود

می‌دانم که راه‌های دیگری هم هست.

در هر پدیده‌ای جاودانگی پدیده دیگری است.

تو همچون نوایی، همچون فلکی

تو همچون قصری، رودی، فرشته‌ای

تو همچون گل سرخ کبود، آشنایی و بی‌انتها

و تو ای پیر، کاش آن را در چشمان خاموش من عیان کنی. (۱۳)

برژ در پایان داستان "در مورد المتسم" (۱۴) در مجموعه تاریخی جاودانگی (۱۵) به گزیده‌ای از منطق الطیر و رابطه‌ی تنگاتنگ آن با کتاب "آه آد" (۱۶) اثر پلوتن (۱۷) پرداخته است و از قول او چنین نقل می‌کند: در گستره‌ی افق روشن آسمان، همه چیز، همه جا هست. همه چیز، هر چه که باشد. خورشید، جمله ستارگان است و هر ستاره‌ای خود خورشید و دیگر ستارگان (۱۸). سرانجام این نویسنده‌ی آرژانتینی، در یکی از نه رساله‌اش درباره‌ی دانته (۱۹)، چهره‌ای از سیمرغ را ارائه می‌دهد.

ویکتور هوگو نیز در کتاب «افسانه‌های قرون» این اثر جاودانه، در شعر باشکوه و ناتمام «خدا» همچون کتاب منطق الطیر، کشف و شهود عرفانی را با استفاده از مرغان به تصویر می‌کشد.

ژرار دونروال (۲۰) نیز چنان مجذوب عطار بوده که تشوئیل گو تیه (۲۱) درباره او چنین می گوید: «ژرار از تمام آن چه شعرای پارسی در باب هدهد حکایت می کنند، آگاه بوده و جای تعجب نیست که او زبان هدهد را دریافته باشد. (۲۲)» گوته (۲۳) هم در دیوان اشعار شرقی - غربی اش که در آن از حافظ و سعدی تأثیر بسیار گرفته است، از عطار و مرغانش نیز الهام می گیرد.

آری، این چنین بود که سرنوشت افسانه‌ای برای این دارو ساز ساده قرن ششم هجری در نیشابور رقم خورد. ابو حامد محمد ابن ابوبکر، ابراهیم، عطار طبق شواهد موجود حدود ۵۵۳ هجری در منطقه نیشابور دیده به جهان گشود و آن گونه که نقل است در حمله ی مغول به سرکردگی چنگیز خان در سال ۶۲۷ (۲۴) هجری دیده از جهان فرو بست: عطار به معنی پزشک و دارو ساز، واژه‌ای است برگرفته از زبان عرب، به معنای عطر فروش یا عطر ساز.

عطار، خیلی زود شیفته آیین تصوف گردید؛ مکتبی که پیروانش از احترام و تکریم خاصی در میان اکثریت مردم برخوردار بودند. همان طور که دایره المعارف اسلامی بر این نکته تأکید دارد، عطار به نوعی از اصل وحدت وجود و فنا در وحدت دوباره اعتقاد داشته است. هر چند که گفته می شود عطار از بدر و مادری سنی زاده شده است؛ اما به تدریج به مذهب تشیع گرایش پیدا کرد. به عقیده هانری کربن (۲۵) از نظر عطار، اهل تشیع تعصب کمتر و میل افزون تری به ارتقا و برتری روح دارند. عطار خود نیز در مقدمه منطق الطیر صادقانه بر این امر تأکید می کند:

ای گرفتار تعصب مانده	دائماً در بغض و در حب مانده
گر تو لاف از عقل و از لب می زنی	پس چرا دم در تعصب می زنی؟
می مکن حکم و زمان کوتاه کن	بی تعصب باش و عزم راه کن
آنچه شاید کرده اند آن پیش گیر	در سلامت رو، طریق خویش گیر
نیست در من این فضولی ای اله	از تعصب دار، بیوستم، نگاه
پاک گردان از تعصب جان من	گو مباش این قصه در دهان من

رساله ها و مقالاتی که به عطار نسبت داده اند، مبین این حقیقت می باشد که او از چنان شهرت و آوازه‌ای برخوردار بوده است که چه در زمان حیات و چه بعد از وفاتش آثار قابل توجهی را که نوشته او نبودند، به وی نسبت داده اند. اما شواهد گواه این مدعاست که منطق الطیر (که گاه به گفتگو، گفتمان، همایش و زبان مرغان ترجمه شده است) اثر خود اوست. عطار پیش از آن که به دیگر سرزمین های اسلامی سفر کند، هفده سال در توس و مشهد سکنی داشت. در بازگشت به زادگاه، دکان عطاری باز کرد و

به گردآوری نسخی از کتاب‌های در خور توجه روی آورد. مشاوره‌های پزشکی این فرصت را برایش فراهم آورده بود که با صوفیان و شاعران بی‌شماری آشنایی یابد و البته به دلیل نوشته‌هایش با خصومت و دشمنی اهل تسنن مواجه گردید. اگر چه به تدریج به مذهب شیعه گرایش پیدا کرد؛ اما هرگز بطور کامل از اصول فرقه خویش روی برنگرداند.

مرغان در منطق الطیر نماد کثرت ابنای بشری هستند که به دنبال معنای حقیقی «مقصد جاودانه» طی طریق می‌کنند که البته این عالم حقیقی را تنها در وحدت، که اصل بنیادین تصوف است باز می‌یابند. اصول آیین تصوف بر این اساس است که انسان از بدو تولد از خدا جدا شده و بر اوست که در زندگانش، با ریاضت، عبادت، وارستگی و عشق، این وحدت گمشده را طی جستجویی سخت باز یابد. البته این وحدت دوباره، تنها در فناء منیت و در سایه «از خود وارستگی» حاصل می‌شود و با در هم آمیختن پیروزمندانه با خالق هستی، خدای احد و واحد به تحقق می‌انجامد.

مرغان منطق الطیر، این آشنایان به اسرار و رهروان شایسته‌ی این طریق، با راهنمایی هدهد که پیام آور ملکه سبا از جانب سلیمان بود، بر آن می‌شوند که پادشاهی برای خود برگزینند که همان سیمرغ یا ققنوس پارسیان است و گویند پری از آن در چین افتاده است. در مورد نام سیمرغ در زبان پارسی، هانری کرین از این بازی با کلمات عطار به نبوغ یاد می‌کند و می‌گوید: در نام «سیمرغ» که عطار عدد «سی» را در آن گنجانده است، دو راز نهفته است: وحدت در کثرت و کثرت در وحدت میان سیمرغ جاودانه و سی مرغانی که از بین هزاران مرغ در سلوکی پررنج و بس طولانی به غایت مقصود می‌رسند. آری مرغان برای رسیدن به مقصد موعود هفت وادی پی در پی را پشت سر نهاده و از آزمون‌های نمادین گذر می‌کنند. از میان آنان، تنها سی مرغ از اتحاد دوباره‌شان به وحدت که در واقع همه شدن (کل) است و اصل می‌گردند، هم‌ای که خود تشکیل دهنده‌ی آنند. البته این مرحله فنا هرگز نباید با نابودی «فیزیکی» اشتباه گرفته شود بلکه برعکس؛ فنا، نهایت وصل است، پیوند با وجود برتر و مطلق که عشق عالمگیرش از طریق سلوک عارفانه صوفیان، تمام عالم را در بر می‌گیرد در نهایت سی مرغ، معرف صوفیان، این عاشقان مجنون وار ذات اقدس حق و برگزیدگان خاص از میان اکثریت مردمان است که در وحدتی عالم گیر سیمرغ را خلق می‌کنند که خود معرف مقام ربوبی و متعالی آفرینش است و خاص و غایت خواسته‌ی عارفان.

این حکایت عارفانه در دل روایت‌های بدیع و بیشمار، بارها و بارها تکرار می‌شود و کتاب حاضر از دیدگاهی خاص به این

موضوع می پردازد. علاوه بر محتوای عارفانه ی حکایات، وقایع داستان، جامعه و زندگی روزمره ی سرزمین های پارسی در قرون وسطی را با بیانی شیوا توصیف می کند.

به دلیل ظرافت های هنری و محتوای بلند پروازانه و عارفانه ی این اثر باشکوه؛ ادبیات پارسی، در ردیف شاهکارهای معنوی بشریت قرار گرفته است و چون میراثی جاودانه در تمام ادوار می درخشد. بی شک این اثر سرشار از نبوغ خاص ادب پارسی، در غرب با اقبال بی نظیری روبرو شده است. در پایان می توان به این جمله از اندره ژید (۲۶) اشاره کرد که می گوید: «یک اثر آنگاه جهان شمول می شود که مردمی تر باشد، همچون آثار سروانتس (۲۷) اسپانیایی، شکسپیر انگلیسی، دانته ایتالیایی، ولتر (۲۸) یا مونتاین (۲۹)، دکارت (۳۰) و پاسکال فرانسوی (۳۱)، و چه اثری جهان شمول تر از آنها! (۳۲)»

دیدیر لوری (۳۳)

- ۱- سوره مائده (۵) آیه ۱۱۰:..... إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ شَيْئاً طَيْرًا بِأَمْرِ...
۲- Apocryphe «داستان دوران کودکی مسیح» و «زندگی مسیح در عرب» در کتاب Ecrits apocryphes chrétiens چاپ Gallimard. کتابخانه Pléiade پاریس ۱۹۹۷.
- ۳- سوره نحل (۲۷)، آیه ۱۶: وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْتُ أَنَّ طَيْرَ...
۴- Saint François d'Assise در سال ۱۱۸۱ م در ایتالیا متولد شد. مقام وی در نزد اهل کلیسا بسیار محترم است. خرق عادت و کرامات متعددی به وی نسبت داده اند.
- ۵- Jack Böhme، عالم و عارف علوم مابعدالطبیعه (۱۵۷۵ م - ۱۶۲۴ م)
- ۶- Saint Jean de la croix عارف بزرگ اسپانیایی (۱۵۴۲ م - ۱۵۹۱ م) وی یکی از بزرگترین شاعران عصر طلایی اسپانیا محسوب می شود.
- ۷- Esope، افسانه نویس یونانی قرن شش یا هفت قبل از میلاد مسیح. او را پدر افسانه و حکایت می دانند.
- ۸- La Fontaine، شاعر و افسانه نویس فرانسوی (۱۶۲۱ م - ۱۶۹۵ م)
- ۹- Jorge Luis Borges نویسنده ی آرژانتینی (۱۸۹۹ - ۱۹۸۶)، وی به نظم و نثر می نوشته است. آثارش در زمینه ی رسانه و داستان کوتاه به عنوان آثار کلاسیک قرن بیست شناخته شده است.
- ۱۰- Chausser، شاعر قرن چهارده میلادی (۱۳۴۰ م - ۱۴۰۰ م)
- ۱۱- The unending Rose
- ۱۲- La Rose profonde

۱۳- ۱۹۹۳ پاریس کتابخانه Pléiade. چاپ Borges, Jorge Luis: Œuvres Complètes, Gallimard

۱۴- "L'Approche d'Almotasim"

۱۵- "Histoire de l'Eternité"

۱۶- Ennéades (چاپ ۳۰۰ م - ۳۰۱ م) مجموعه کاملی از نوشته‌ها و ایده‌های فلسفی افلاطون.

۱۷- Plotin (۲۰۵ م - ۲۷۰ م) فیلسوف یونانی که پایه‌گذار جریان فلسفی Néoplatonisme که بر فلسفه غرب تأثیر عمیقی داشته است.

۱۸- Ibid

۱۹- Alighieri Danté (۱۲۶۵ م - ۱۳۲۱ م) فیلسوف و نویسنده ایتالیایی. کمدی الهی، اثر معروف وی می‌باشد.

۲۰- Gérard de Nerval، نویسنده و شاعر فرانسوی (۱۸۰۸ م - ۱۸۵۵ م) از آثارش می‌توان Les filles du feu, chimères, sylvie را نام برد.

۲۱- Théophile Gautier، رمان‌نویس، شاعر و منتقد فرانسوی (۱۸۱۱ م - ۱۸۷۲ م) آثار زیادی از او به جا مانده است.

۲۲- نقل از Jacques Buenzod، منطق‌الطیر در رمانتیسیم ۱۹۸۲ شماره ۲۵، صفحه ۴۳-۵۶ Paradoxes

۲۳- Goethe، شاعر بزرگ آلمانی (۱۷۴۹ م - ۱۸۳۲ م) رمان‌نویس، دیپلمات و نمایشنامه‌نویس.

۲۴- بنابه تحقیق آقای شقیعی کدکنی (۵۵۳ هجری - ۶۱۷ هجری)

۲۵- Henry Corbin (۱۹۰۳ م - ۱۹۷۸ م) فیلسوف، مترجم و شرق‌شناس فرانسوی در کتاب «در اسلام ایرانی» چاپ Gallimard.

کتابخانه «عقاید» پاریس ۱۹۷۲، جلد دوم صفحه ۲۳۰.

۲۶- André Gide، نویسنده‌ی فرانسوی (۱۸۶۹ م - ۱۹۵۱ م) برنده جایزه ادبی نوبل در سال ۱۹۴۷ شد و از آثارش می‌توان به «مآنده‌های زمینی»، «ضد اخلاق» و «دخمه‌های واتیکان» اشاره کرد. آندره ژید خود نیز از شاعران پاریسی زبان مانند حافظ و سعدی الهام گرفته است که کتاب «مآنده‌های زمینی» خود شاهده‌ی بر این مدعاست.

۲۷- Miguel Cervantès، نویسنده‌ی اسپانیایی (۱۵۴۷ م - ۱۶۱۶ م) معروفترین اثرش «دولم کیشوت».

۲۸- Voltaire، نویسنده و فیلسوف فرانسوی (۱۶۹۴ م - ۱۷۷۸ م) از جمله آثارش می‌توان lettres philosophiques و Candide Dictionnaire philosophique اشاره کرد.

۲۹- Montaigne (۱۵۳۳ م - ۱۵۹۲ م) فیلسوف، نویسنده و سیاستمدار فرانسوی در زمان رنسانس، نویسنده‌ی کتاب Les Essais

۳۰- René Descartes، ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و فیلسوف فرانسوی (۱۵۹۶ م - ۱۶۵۰ م) او پایه‌گذار فلسفه مدرن است. «من فکر می‌کنم، پس هستم» جمله‌ی معروف اوست.

۳۱- Blaise Pascal، ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، مخترع، فیلسوف اخلاق‌گرا و خداشناس (۱۶۲۳ م - ۱۶۶۲ م) وی مخترع اولین ماشین حساب مکانیکی است.

۳۲- برگرفته از Réflexions sur l'Allemagne در مجله Nouvelle Revue Française شماره ۶۹، اول ژوئن ۱۹۱۹.

Didier Leroy-۳۳